

بسمه تعالی



دانشگاه علامه
طباطبایی
دانشکده اقتصاد

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

عنوان پایان نامه:

**اقتصاد سیاسی اصلاحات ارضی: مطالعه تطبیقی
تجربہ‌های دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۶۰ در ایران**

استاد راهنما:
آقای دکتر فرشاد مؤمنی

استاد مشاور:
آقای دکتر علی عرب مازار یزدی

استاد داور:
آقای دکتر مصطفی شریف

نگارش:
هاجر اصغری زرگرآبادی

مرداد ماه ۱۳۸۸

تقدیم به

پد

ر و مادر عزیزم

که وجودشان همواره بزرگترین

نعمت الهی زندگیم بوده و هست.

تقدیر و تشکر:

پس از سال‌ها تحصیل در مقاطع مختلف و پشت سر گذاشتن آنها در کمال موفقیت، سپاس بی دریغ خود را از آن خداوندی می‌دانم که کسب علم و معرفت را مسیر زندگی‌م قرار داد و در این راه همراهانی عالم و دلسوز نصیبم کرد. بیش و پیش از همه، پدر و مادری که همواره مشوق و پیگیر تلاش‌هایم بوده و هستند و نگاه‌های گیرایشان بیش از هر کلامی مرا به جلو رانده است، هیچ زبانی قادر به تشکر از زحمات مستمرشان نیست و همچنین آموزگاران و اساتیدی که نزدشان علم و زندگی را همزمان را آموختم و من نیز مانند همه دانش‌آموزان قادر به جبران زحمت این عزیزان نیستم و بار منت این هر دو دسته همراه را با افتخار می‌پذیرم و امیدوارم آنکه پاسخ‌گوی تلاش همه انسان‌ها در مسیر وارستگی است، پاسخی در خور به آنها اعطا کند. به وسعت مسیر رفته، مسیری پیش رو دارم و امیدوارم که در ادامه این راه من نیز روشنگر راه کسانی باشم و چراغی را که روزی در کودکی از دست نخستین معلمم گرفتم، زمین نگذارم. بی شک، زندگی طی همین مسیر است.

در ادامه، بر خود واجب می‌دانم که از راهنمایی‌ها و زحمات فراوان و صبورانه اساتید بزرگوار و محترم برای به پایان رساندن تحقیق حاضر تشکر و قدردانی کنم.

بیش از همه از جناب آقای دکتر فرشاد مؤمنی، استاد راهنمای پایان‌نامه به واسطه زحمات و به سبب راهنمایی‌های ارزنده‌شان قدردانی می‌کنم. همچنین کمال تشکر خود را از جناب آقای دکتر علی عرب مازار، استاد مشاور پایان‌نامه، که از نظرات بسیار مفیدشان در راه تهیه تحقیق بهره برده‌ام ابراز می‌دارم. از جناب آقای دکتر مصطفی شریف نیز به سبب صرف وقت و تصحیح نقایص تحقیق سپاس گزارم.

چکیده:

اهمیت بخش کشاورزی و اثرات عملکرد آن بر سایر بخش‌ها یکی از مهمترین مباحثی است که در اقتصاد توسعه مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نتیجه نحوه‌ی توزیع نهاده‌های کشاورزی نیز از جمله مسائل مورد توجه سیاستگذاران است. اصلاحات ارضی سیاستی است که به بازتوزیع زمین‌های زراعی مرغوب و البته در حالت کلی به بازتوزیع کلیه منابع کشاورزی می‌پردازد. در این پژوهش بر بعد تغییرات حقوق مالکیتی ناشی از اصلاحات ارضی تاکید شده است. الگوی پژوهش یک الگوی ترکیبی از نظریات اقتصاد سیاسی و آراء نهادگرایی است. این الگو حقوق مالکیت را به عنوان یک نهاد اثرگذار در انگیزه‌های عاملان اقتصادی و در نتیجه در عملکرد اقتصادی مورد توجه قرار می‌دهد و عوامل تغییر و اثرگذار بر عملکرد اقتصادی را به دو دسته داخلی و خارجی، بسته به اینکه از جانب کارگزاران نظام اقتصادی باشد و یا خارج از این مجموعه، تقسیم می‌کند. مطابق الگوی پژوهش تغییراتی که از عوامل خارجی ریشه می‌گیرد، نمی‌تواند منشا تغییر عملکرد اقتصادی در جهت مفید و مثبت باشد. با استفاده از این الگو به مطالعه تطبیقی دو تجربه اجرای اصلاحات ارضی در ایران می‌پردازیم. روش این تحقیق تاریخی - توصیفی است. اصلاحات ارضی نخستین بار در دهه‌ی ۱۳۴۰ و دومین بار در سال‌های ابتدایی انقلاب اسلامی در ایران اجرا شد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ در پی مجموعه‌ای از نیروهای خارج از نظام اقتصادی و با اهدافی کاملاً مخالف اهداف صریح اصلاحات ارضی در شکل متعارف شکل گرفته و در نتیجه منجر به تغییرات معنی‌داری در توزیع ملکیت زمین‌ها نشده است و در نتیجه نتوانسته در عملکرد اقتصادی تغییری ایجاد کند. اصلاحات ارضی دهه ۱۳۶۰ در شرایط انقلابی و در نتیجه خواست گروه‌های داخلی و بر اساس موازین اسلامی شکل گرفته و به تناسب شرایط حاکم بر اقتصاد ایران در دهه از حیث توزیع مالکیت زمین‌ها، مثمر ثمر واقع شده است.

اصلاحات ارضی سیاستی است که به بازتوزیع زمین های زراعی مرغوب و البته در حالت کلی به بازتوزیع کلیه منابع کشاورزی می پردازد. این پژوهش حقوق مالکیت را به عنوان یک نهاد اثرگذار در انگیزه های عاملان اقتصادی و در نتیجه در عملکرد اقتصادی مورد توجه قرار می دهد. اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ در پی مجموعه ای از نیروهای خارج از نظام اقتصادی و با اهدافی کاملاً مخالف اهداف صریح اصلاحات ارضی در شکل متعارف شکل گرفته و در نتیجه منجر به نتایج ثمربخشی در بخش کشاورزی و در کل نظام اقتصادی نشده است. اصلاحات ارضی دهه ۱۳۶۰ در شرایط انقلابی و در نتیجه خواست گروه های داخلی و بر اساس موازین اسلامی شکل گرفته و به تناسب شرایط حاکم بر اقتصاد ایران در دهه ۱۳۶۰ می توان گفت که مثمر ثمر واقع شده است.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

مقدمه ۱

فصل اول: کلیات تحقیق

مقدمه ۴

۱-۱- بیان مسئله و اهمیت آن ۴

۲-۱- سوابق مطالعاتی ۷

۳-۱- سؤال‌های تحقیق ۸

۴-۱- فرضیه های تحقیق ۹

۵-۱- اهداف تحقیق ۹

۶-۱- روش گردآوری اطلاعات و داده ها ۹

۷-۱- تعریف اصطلاحات کلیدی تحقیق ۱۰

۸-۱- چارچوب تحقیق ۱۱

فصل دوم: مبانی نظری تحقیق

مقدمه ۱۳

۱-۲- اقتصاد سیاسی ۱۴

۲-۲- دولت و اقتصاد سیاسی ۱۷

۳-۲- حقوق مالکیت ۲۰

۴-۲- اقتصاد سیاسی حقوق مالکیت ۲۶

۵-۲- اصلاحات ارضی ۲۹

۶-۲- اقتصاد سیاسی اصلاحات ارضی ۳۵

۷-۲- تجربیات اصلاحات ارضی ۳۷

۱-۷-۲- اصلاحات ارضی ژاپن ۳۷

۲-۷-۲- اصلاحات ارضی چین ۴۱

۸-۲- جمع بندی ۴۵

فصل سوم: عوامل موثر بر اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰

مقدمه	۴۷
۱-۳- سابقه اصلاحات ارضی در ایران	۴۷
۲-۳- نظام کشاورزی در ایران	۴۸
۳-۳- وضعیت روستاهای ایران قبل از اصلاحات ارضی	۵۰
۴-۳- مرحله اول اصلاحات ارضی	۵۰
۵-۳- مرحله دوم اصلاحات ارضی	۵۵
۶-۳- مرحله سوم اصلاحات ارضی	۵۷
۷-۳- نظام های بهره برداری تشکیل شده در دوران اصلاحات ارضی	۵۸
۸-۳- نگاهی اجمالی به اثرات اصلاحات ارضی	۶۰
۹-۳- تغییرات مالکیتی حاصل از اصلاحات ارضی	۶۳
۱۰-۳- نتیجه گیری	۶۹
۱۱-۳- جمع بندی	۷۰

فصل چهارم: عوامل موثر بر اصلاحات ارضی دهه ۱۳۶۰

مقدمه	۷۳
۱-۴- وضعیت زمین های زراعی در آستانه اجرای اصلاحات ارضی	۷۳
۲-۴- فضای سیاسی جامعه در آستانه انقلاب اسلامی و مراحل تدوین لایحه احیاء و واگذاری	۷۴
۳-۴- مبنای قانونی واگذاری و احیاء اراضی	۷۹
۴-۴- تغییرات مالکیتی حاصل از اجرای قانون احیاء و واگذاری اراضی	۸۰
۵-۴- نتیجه گیری	۸۵
۶-۴- جمع بندی	۸۶

فصل پنجم: نتیجه گیری

۱۹	مقدمه
۱۹	۱-۵- اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰
۹۱	۲-۵- اصلاحات ارضی دهه ۱۳۶۰
۹۳	۳-۵- موضوعات پیشنهادی برای تحقیقات آتی
۹۵	فهرست منابع و مآخذ

فهرست جداول و نمودارها

عنوان	صفحه
فصل سوم: عوامل موثر بر اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰	
جدول ۱-۳- تعداد مالکین اراضی پس از اجرای اصلاحات ارضی.....	65
جدول ۲-۳- تعداد مالکین بر حسب مساحت زمین پس از اصلاحات ارضی.....	65
جدول ۳-۳- ارزش افزوده بخش کشاورزی و زیربخش زراعت طی سال های اجرای اصلاحات ارضی در دهه ی ۱۳۴۰.....	67
جدول ۴-۳- نرخ رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی و زیربخش زراعت طی سال های اجرای اصلاحات ارضی در دهه ی ۱۳۴۰.....	68

فصل چهارم: عوامل موثر بر اصلاحات ارضی دهه ۱۳۶۰	
جدول ۱-۴- میزان واگذاری زمین ها طبق قانون واگذاری و احیا به طور کلی (از ابتدای ۱۳۵۹ تا پایان ۱۳۶۸).....	۸۱
جدول ۲-۴- وضعیت حقوقی اراضی در گروه های بهره برداری با زمین در سطح کشور ۱۳۶۷ (واحد: بهره بردار).....	۸۳
جدول ۳-۴- ارزش افزوده بخش کشاورزی و زیربخش زراعت طی سال های اجرای اصلاحات ارضی در دهه ی ۱۳۶۰.....	۸۴
جدول ۴-۴- نرخ رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی و زیربخش زراعت طی سال های اجرای اصلاحات ارضی در دهه ی ۱۳۶۰.....	۸۵

اهمیت نهادها و ضرورت پرداختن به آنها در ذیل مباحث اقتصادی از جمله مباحثی است که طی دو دهه‌ی گذشته کاملاً آشکار گشته است. از جمله نهادهای مهم و اثرگذار در عملکرد اقتصادی، حقوق مالکیت است. آنچه بیش از همه حقوق مالکیت را در اقتصاد به بحثی مهم تبدیل می‌کند، ارتباط میان حقوق مالکیت و ساختار سیاسی حاکم بر جامعه است. حقوق مالکیت در ارتباط با ساختار سیاسی شکل می‌گیرد و از طریق اثرگذاری بر انگیزش‌های افراد در جامعه، عملکرد اقتصادی را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

از این رو پرداختن به مباحثی که تحولات عمده در تعریف و اجرای حقوق مالکیت ایجاد می‌کنند، راهگشای درک تحولات اقتصادی است. از جمله سیاست‌های اقتصادی که نقطه‌ی عزیمت خود را تغییر در حقوق مالکیت قرار می‌دهد اصلاحات ارضی است. تغییر در حقوق تصرف و استفاده از اراضی زراعی تعریفی ساده از اصلاحات ارضی است. اصلاحات ارضی از ابعاد گوناگونی دارای اهمیت می‌باشد. تناقض ظاهری مهمی که در درون اصلاحات ارضی مشاهده می‌شود آن است که تعرض به حقوق مالکیت را نقطه عزیمت خود قرار می‌دهد تا در تعریف مجدد آن به نحوی عمل کند که سبب ساز توسعه در اقتصاد و در نتیجه در جامعه شود. در این تحقیق با استفاده از رویکرد اقتصاد سیاسی در تحلیل اصلاحات ارضی، در پی آن هستیم که اثر توزیع قدرت و منافع فرادستان را در شکل دهی و اجرای برنامه‌ای که منابع اقتصادی را به میزان عمده‌ای تغییر می‌دهد، مشاهده کنیم و در رویکردی میان رشته‌ای از سیاست و اقتصاد، به درک و دریافتی روشن تر از تجربه اصلاحات ارضی در ایران دست پیدا کنیم.

در انتهای قسمت اول از فصل مبانی نظری تحقیق، چارچوبی حاصل از ترکیب نظرات نورث پیرامون عوامل تغییر دولت‌ها در بستر فضای اقتصاد سیاسی جوامع، نقش دولت و فرادستان در تعریف حقوق مالکیت و تعامل با دیگر کارگزاران در جامعه استخراج شده است. در قسمت دوم، به بررسی نظری "اصلاحات ارضی" در قالب یک سیاست راهبردی که در ذیل اهداف توسعه‌ای به اجرا گذاشته می‌شود و از دیگر سو به عنوان یک تغییر نهادی که موجب تغییر در نحوه تعریف حقوق مالکیت می‌شود، می‌پردازیم.

در این تحقیق برآنیم که با استفاده از یک چارچوب نظری پیرامون حقوق مالکیت در بطن اقتصاد سیاسی، تجربه‌ی اصلاحات ارضی ایران در دو دهه‌ی ۱۳۴۰ و ۱۳۶۰ بررسی کنیم. به این ترتیب که در هر دوره ابتدا

به شناسایی نیروهای موثر در شکل‌گیری اصلاحات می‌پردازیم و در انتها با قیاس نتایج حاصل از اجرای آنها، ارتباط عوامل و عملکرد به ویژه از حیث تغییرات مالکیتی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

تحقیق حاضر شامل ۵ فصل می‌باشد. در فصل اول، کلیات تحقیق ذکر می‌شود. فصل دوم تحقیق اختصاص به بررسی مبانی نظری موضوع دارد که در این راستا ابتدا مفاهیم اقتصاد سیاسی و حقوق مالکیت را مورد بررسی قرار می‌دهیم. در این بررسی، پس از برشماری تعاریف این مفاهیم، سیر تاریخی شکل‌گیری مفهوم "اقتصاد سیاسی" و جایگاه آن در علم اقتصاد و تحلیل‌های اقتصادی را مورد مطالعه قرار می‌دهیم. پس از تامل پیرامون "حقوق مالکیت" به برشماری نظریاتی می‌پردازیم که به تبیین چگونگی و عوامل شکل‌گیری و تعریف حقوق مالکیت می‌پردازند. در بخش دوم فصل دوم، به بررسی نظری "اصلاحات ارضی" که از یک سو به عنوان یک سیاست اجرایی در راستای اهداف توسعه‌ای در بخش کشاورزی و همچنین یک اقدام بازتوزیعی و از دیگر سو به عنوان یک تغییر نهادی که موجب تغییر در نحوه تعریف حقوق مالکیت می‌شود، می‌پردازیم و تحولات رویکرد به آن را در بستر نظریات توسعه اقتصادی و تحولات این نظریات طی نیم قرن گذشته، بررسی می‌کنیم و سپس به بررسی دو نمونه از تجربیات موفق و اثرگذار از اجرای این برنامه در دو کشور چین و ژاپن می‌پردازیم و ارتباط آنها را با مطالب پیشین این فصل مورد توجه قرار می‌دهیم.

در فصل سوم ابتدا سابقه بحث اصلاحات ارضی در ایران را از نظر می‌گذرانیم، سپس ویژگی‌های کشاورزی ایران را به طور گذرا ملاحظه کرده و پس از آن به وضعیت روستاهای ایران قبل از اصلاحات ارضی نگاهی گذرا می‌اندازیم. پس از گذر از این قسمت‌ها، مراحل سه‌گانه‌ی اصلاحات ارضی را مورد مذاقه قرار می‌دهیم. در انتها با نگاهی اجمالی، اثرات کلی اجرای اصلاحات ارضی را بر می‌شماریم و در نهایت بر "تغییرات حقوق مالکیتی" حاصل از اجرای این قوانین متمرکز می‌شویم.

در فصل چهارم در ابتدا وضعیت زمین‌های زراعی در آستانه‌ی انقلاب اسلامی، سپس فضای سیاسی جامعه‌ی روستایی در آستانه انقلاب اسلامی و تدوین لایحه احیاء و واگذاری را بررسی گذرای می‌کنیم. در مرحله بعد به بررسی قانون واگذاری و احیای اراضی مصوب فروردین ماه ۱۳۵۹ می‌پردازیم. در نهایت مبنای مدنظر طراحان را تحلیل می‌کنیم و اثرات ناشی از اجرای آن را در حوزه مالکیت اراضی زراعی مورد بررسی قرار می‌دهیم. فصل پنجم تحقیق حاضر نیز به جمع‌بندی یافته‌های تحقیق در قالب پاسخ به

سوالات و نتایج آزمون فرضیات و بیان پیشنهاداتی برای مسیرهای آتی تحقیق پیرامون این موضوع، می پردازد.

فصل اول:

کلیات تحقیق

مقدمه

اهمیت نهادها و ضرورت پرداختن به آنها در ذیل مباحث اقتصادی از جمله مباحثی است که طی دو دهه‌ی گذشته کاملاً آشکار گشته است. از جمله نهادهای مهم و اثرگذار در عملکرد اقتصادی، حقوق مالکیت است. آنچه بیش از همه حقوق مالکیت را در اقتصاد به بحثی مهم تبدیل می‌کند، ارتباط میان حقوق مالکیت و ساختار سیاسی حاکم بر جامعه است. حقوق مالکیت در ارتباط با ساختار سیاسی شکل می‌گیرد و از طریق اثرگذاری بر انگیزش‌های افراد در جامعه، عملکرد اقتصادی را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

از این رو پرداختن به مباحثی که تحولات عمده در تعریف و اجرای حقوق مالکیت ایجاد می‌کنند، راهگشای درک تحولات اقتصادی است. از جمله سیاست‌های اقتصادی که نقطه‌ی عزیمت خود را تغییر در حقوق مالکیت قرار می‌دهد اصلاحات ارضی است. تغییر در حقوق تصرف و استفاده از اراضی زراعی تعریفی ساده از اصلاحات ارضی است.

در این تحقیق برآنیم که با استفاده از یک چارچوب نظری پیرامون حقوق مالکیت در بطن اقتصاد سیاسی، به بررسی تجربی اصلاحات ارضی ایران در دو دهه‌ی ۱۳۴۰ و ۱۳۶۰ بپردازیم.

۱-۱- بیان مسئله و اهمیت آن

نهادها چارچوب‌هایی هستند که کنش متقابل انسان‌ها درون آنها تحقق می‌پذیرد و انتخاب‌های افراد در حد و مرز مجموعه‌ی آنها تعیین می‌شود.^۱ از این رو تغییرات نهادها اثرات عمیقی بر رفتارهای فردی و در نتیجه نتیجه بر عملکردهای اقتصادی دارد. نهادها هرگونه محدودیتی را که افراد نوع بشر وضع کنند تا روابط متقابلشان را شکل دهند شامل می‌شود که می‌توانند هم رسمی و هم غیررسمی باشند. محدودیت‌های رسمی مانند قوانین که افراد بشر وضع می‌کنند و محدودیت‌های غیررسمی مانند آداب رسوم و قواعد و اصول رفتاری^۲. "نهادها با ایجاد ساختاری پایدار برای مبادله، بی‌ثباتی را کاهش می‌دهند"^۳. از این روی قوانین از جمله نهادهای تاثیرگذار هستند. قوانین رسمی از جمله نهادهایی هستند که خود نهادهای دیگری را شکل می‌دهند. قوانین از حکومت‌ها به حقوق مالکیت و از آنجا به قراردادهای شخصی تسری می‌یابند و

۱ - نورث، داگلاس، (۱۳۷۷)، نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی، ترجمه محمدرضا معینی، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، تهران، ص ۲۰.

۲ - همان، ص ۲۰.

۳ - همان، ص ۸۹.

فصل اول: کلیات تحقیق

قراردادها، ساختار انگیزشی - ضد انگیزشی نهفته در نظام حقوق مالکیت (و خصوصیات اجرا) را منعکس می‌کنند.^۴ حقوق مالکیت خود از جمله نهادهای اثرگذار است که می‌توان آن را حقوقی دانست که افراد نسبت به نیروی کارشان و کالاها و خدماتی [دارایی‌هایی] که در اختیار دارند کسب می‌کنند. کسب این حقوق تابعی از قواعد حقوقی، شکل‌های سازمانی، اجرا و هنجارهای رفتاری است.^۵ از این رو قوانینی که حقوق مالکیت و نظام مالکیت جامعه را هدف قرار دهند از جمله قوانینی هستند که تغییرات عمده‌ای را در جامعه ایجاد می‌کنند و از این جهت حائز اهمیت برای بررسی می‌باشند. از دیگر سو اگر قوانین رسمی بدون توجه به هنجارها و آداب و رسوم جامعه که همان نهادهای غیررسمی هستند وضع شوند، اگر قوانین دچار تغییرات ریشه‌ای شوند که آنها را با قید و بندهای موجود غیررسمی ناهمخوان کند، آنگاه تنش‌های لاینحل بین آنها به وجود خواهد آمد و به بی‌ثباتی سیاسی بلندمدت منجر خواهد شد.^۶

در نظر گرفتن نقش نهادها در کنار تاثیرگذاری و تاثیرپذیری بخش‌های مختلف اقتصاد می‌تواند تحلیل‌های راهگشتری به دست دهد. در کشورهای در حال توسعه بخش کشاورزی از مهمترین بخش‌هاست. این اهمیت از چند جنبه مدنظر قرار می‌گیرد؛ نخست آنکه در دنیای صنعتی و غالباً شهری امروز نباید روستاها را از بهره‌های ناشی از برنامه‌های توسعه محروم کرده و نادیده بگیریم. بدون شک جامعه‌ی روستایی از سیاست‌گذاری‌های کلان و ملی اثر می‌پذیرد و دچار تغییرات می‌شود و جامعه نیز از تغییرات جامعه‌ی روستایی متأثر می‌گردد. در نظر گرفتن روستاها در توالی‌های سیاستی از باب نقش محوری آنها به عنوان منبع اساسی تامین مواد غذایی بر اهمیت این بخش می‌افزاید. علاوه بر این موارد مباحثی مانند بحران‌های زیست‌محیطی و مهاجرت نیروی کار از روستا به شهر، این بخش را بیش از پیش مهم می‌سازد. میزان محصول و سطح زندگی در این بخش نه تنها به قیمت بلکه به توزیع دارایی‌های مولد و نهادهای کشاورزی نیز وابسته است. در مناطق روستایی مهمترین دارایی مولد زمین است. توزیع نابرابر مالکیت زمین در روستاها منجر به توزیع نابرابر درآمد بین جمعیت روستایی می‌شود.^۷

^۴ - همان، ص ۹۲.

^۵ - همان، ص ۶۴.

^۶ - همان، ص ۲۱۸.

^۷ - گریفین، کیت، (۱۳۷۵)، راهبردهای توسعه اقتصادی، ترجمه حسین راغفر، محمدحسین هاشمی، نشر نی، تهران، ص ۲۰۷.

فصل اول: کلیات تحقیق

در میان این موارد از نقطه اهمیت بخش کشاورزی می توان به این مساله اشاره کرد که نقطه عزیمت بیشتر تجربیات موفق توسعه، بازتوزیع زمین های زراعی بوده است که دو مورد از آنها در انتهای فصل دوم به صورت مبسوط آمده است. دوسوتو نیز در کتاب راز سرمایه در یکی از فصول به طور کامل توضیح می دهد که تعیین تکلیف مالکیت اراضی زراعی در آمریکا موتور توسعه این کشور را به حرکت درآورده است.^۸ از این روی توزیع مجدد زمین های بزرگ مالکان بین دهقانان کوچک یکی از سیاست های متداول در بخش کشاورزی است.^۹ این سیاست که در عرصه ی عمل "اصلاحات ارضی" نام دارد در گام نخستین خود با یک تعدی و تجاوز سراسری و عمدۀ به حقوق مالکین قبلی صورت می گیرد و در حین اجرا حقوق مالکیت برای اشخاص دیگری قائل می شود؛ این تغییرات سبب می شود ترکیب جدیدی از مالکین شکل بگیرد.

اصلاحات ارضی در ایران در دو دوره ی زمانی در سطح قانون گذاری کلی، مطرح و عملی شده است. ابتدا در دهه ی ۱۳۴۰ و در قالب یکی از شش برنامه ی کلی انقلاب سفید محمدرضا شاه در سطح ملی به مورد اجرا گذاشته شد. سپس به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی و در پی تشکیل دولت موقت نیز تغییر ساختار مالکیت اراضی زراعی مورد توجه حکومت تازه تاسیس قرار گرفت. این قانون با عنوان "احیاء و واگذاری زمین های زراعی" از سال ۱۳۵۹ به اجرا درآمد.

از ابعاد گوناگونی می توان این دو تجربه را مدنظر قرار داد؛ اما از آنجا که زمین از منابع مولد است توزیع مجدد آن در حقیقت نظام جدیدی از ثروت و قدرت را شکل می دهد. از این رو بیش از هر چیز بررسی عوامل اقتصاد سیاسی شکل گیری اصلاحات ارضی در از بین بردن نظام مالکیت ارضی قبلی و ایجاد نظامی نوین در این زمینه مهم جلوه می کند. تلفیق این جذابیت در کنار توجه به دستاوردهای این اصلاحات می تواند آموزه های سیاست گذاری و لزوم توجه به زمینه های شکل گیری سیاست ها را در پی داشته باشد. این تحقیق قصد دارد به بررسی عوامل شکل گیری این دو تجربه ی اصلاحات ارضی در ایران با تاکید بر عوامل اقتصاد سیاسی بپردازد. در مطالعات پیشینی که منجر به شکل گیری فرضیه های تحقیق فعلی شده، به نظر می رسد فشار ناشی از فضای اقتصاد سیاسی بین الملل از عمده ترین علل شکل گیری و اجرای

۸ - دوسوتو، هرماندو (۱۳۸۵)، راز سرمایه، ترجمه فریدون تفضلی، نشر نی، تهران، صص ۱۹۲-۱۰۵.

۹ - همان، ص ۲۰۹.

فصل اول: کلیات تحقیق

اصلاحات ارضی در دهه‌ی ۱۳۴۰ بوده^{۱۰} و البته در همین مطالعات، این‌طور به نظر می‌رسد که احیا و واگذاری زمین‌های زراعی در دهه‌ی ۱۳۶۰ متأثر از فضای سیاسی داخلی ناشی از انقلاب حاکم بر اقتصاد سیاسی ایران در آن دوره بوده است^{۱۱}. در ادامه با برشماری نتایج اجرای این دو تجربه اصلاحات ارضی در کل اقتصاد کشور و همچنین در بخش کشاورزی، با تاکید بر تغییرات مالکیتی حاصل به تطبیق نتایج این دو تجربه مهم می‌پردازیم و برای تبیین تفاوت در نتایج، از علل بررسی شده در این مطالعه سود می‌بریم. از منظر نتایج شاخصی که در این تحقیق بر روی آن تمرکز می‌شود " ترکیب حقوقی اراضی زراعی از حیث مساحت زیرکشت " است. باید در نظر داشت که برای تحلیل تجربه ای به این شکل در بخش کشاورزی شاخص های بسیاری را می توان مدنظر قرار داد. علت انتخاب این شاخص، تمرکز الگوی نظری تحقیق بر حقوق مالکیت است.

۱-۲- سوابق مطالعاتی

با عنوان "اقتصاد سیاسی اصلاحات ارضی" یک تحقیق در ارتباط با اجرای اصلاحات ارضی در آفریقای جنوبی انجام گرفته است (Hall, ۲۰۰۴). فضای اقتصاد سیاسی مدنظر این تحقیق، فضای ناشی از نظام آپارتاید در این کشور است. هر چند پیش از اجرای برنامه ی اصلاحات ارضی در این کشور، این نظام به طور رسمی ملغی می شود اما اثرات باقی مانده از آن در طول زمان، سبب تفاوت در اثر اجرای این برنامه میان سفیدپوستان و سیاه پوستان می شود. قوانین و مرزبندی های نظام آپارتاید سایه ی سنگین خود را بر اصلاحات ارضی این کشور انداخته است. نتیجه گیری این تحقیق نشان می دهد که با اجرای اصلاحات ارضی یک دوگانگی بین کشاورزان سفید پوست و سیاه پوست رخ داده است و چون سفیدپوستان دسترسی به زمین های مرغوب تری داشته اند وارد عرصه کشاورزی تجاری شده اند و سیاه پوستان به دلیل در اختیار داشتن زمین های کمتر مرغوب در کشاورزی معیشتی باقی مانده اند. نوع تحلیل کیفی و با استفاده از آمارها است.

۱۰ - فوران، جان، (۱۳۸۳)، مقاومت شکننده؛ تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب ایران، ترجمه احمد تدین، نشر موسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران، صص ۴۷۳-۴۷۲.

11 - Nomani, Farhad, Sohrab Behdad, *Class and Labor in Iran: Did the Revolution matter?*, Syracuse University Press, p 41.

فصل اول: کلیات تحقیق

پیرامون اصلاحات ارضی در ایران در دوره ی زمانی مدنظر این تحقیق، تحقیقی در چارچوب و با رویکرد "اقتصاد سیاسی" انجام نشده است. البته درباره ی اصلاحات ارضی در دهه ی ۱۳۴۰ تحقیقات بسیاری انجام شده است (عمید، ۱۳۸۱)، (سوداگر، ۱۳۵۸)، (هوگلاند، ۱۳۸۱)، (ملک، ۱۳۵۷). عمید، سوداگر و هوگلاند در چارچوب مسائل اقتصادکشاورزی به اصلاحات ارضی می پردازد. روش تحلیل این تحقیق ها کیفی و با استفاده از آمارهایی است که محققین خود جمع آوری کرده اند. نتیجه گیری ها نیز که در حوزه اقتصادکشاورزی است، بیان می کند که وضعیت عمده ی کشاورزان تغییر چندانی پیدا نکرده و آنطور که از نوع قانون میزان تغییرات برمی آید کشاورزی در ایران نتوانسته وارد مراحل پیشرفتی که زمینه توسعه صنعتی را فراهم آورد، شود. وضعیت اقتصادی عمده روستاییان تغییرات معنی داری پیدا نکرده است. حسین ملک در بررسی خود تنها معایب نص قانون و نحوه ی اجرا را به تناسب ویژگی های جامعه کشاورزی و موقعیت جغرافیایی ایران برمی شمارد و به طور صریح نتیجه گیری می کند که نه تنها اصلاحات ارضی برای کشاورزی در ایران سودمند نبوده است، بلکه زیان های بسیاری را نیز بر این بخش و حتی سایر بخش ها وارد کرده است.

در برخی تحقیقات و مطالعات که پیرامون چرایی و چگونگی شکل گیری انقلاب اسلامی انجام شده است نیز در خلال بحث به موضوع اصلاحات ارضی دهه ی ۱۳۴۰ پرداخته شده است (کدی، ۱۳۸۵)، (فوران، ۱۳۸۳)، (کاتوزیان، ۱۳۸۱). این تحقیقات، با تکیه بر آمار سایر محققان، نارضایتی های حاصل از اجرای این برنامه در دهه های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ را یکی از زمینه های بروز انقلاب در سال ۱۳۵۷ می دانند.

درباره ی احیاء و واگذاری زمین ها پس از وقوع انقلاب اسلامی بررسی های اندکی انجام شده است (صندوق مطالعاتی نظام های بهره برداری کشاورزی ایران، ۱۳۷۱)، (فعالیت هیئت های ۷ نفره واگذاری زمین در آئینه آمار، ۱۳۶۶). این منابع با تکیه بر آمارهای دولتی از اجرای قانون احیاء و واگذاری، از حیث واگذاری ها و اثر بر عملکرد اقتصادی این قانون را موفق ارزیابی می کنند و روش تحلیل آنها، کیفی است.

۳-۱- سوالات تحقیق

- عوامل اقتصاد سیاسی شکل گیری و اجرای اصلاحات ارضی در ایران در سال های دهه ی ۱۳۴۰ و ۱۳۶۰ چه بوده است؟

فصل اول: کلیات تحقیق

- تغییرات مالکیتی حاصل از اجرای اصلاحات ارضی در هر یک از دوره‌ها از حیث " ترکیب حقوقی اراضی زراعی از حیث مساحت زیرکشت " چگونه بوده است؟

- آیا ارتباطی میان تغییرات مالکیتی حاصل با عوامل شکل‌گیری اصلاحات ارضی وجود داشته است؟

۴-۱- فرضیه‌های تحقیق

- شکل‌گیری و تحولات اصلاحات ارضی در دهه‌ی ۱۳۴۰ عمدتاً تحت تاثیر تغییرات در ساخت قدرت اقتصادی- سیاسی در سطح بین‌المللی بوده است.

- شکل‌گیری و تحولات اصلاحات ارضی در دهه‌ی ۱۳۶۰ به طور عمده تحت تاثیر تغییرات در فضای سیاسی کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی بوده است.

- تفاوت در نتایج اصلاحات ارضی، از حیث " ترکیب حقوقی اراضی زراعی از حیث مساحت زیرکشت " در دو دهه‌ی ۱۳۴۰ و ۱۳۶۰ به طور عمده ناشی از تفاوت در عوامل اقتصاد سیاسی پیدایش آنها بوده است.

۵-۱- اهداف تحقیق

اهداف علمی:

- بررسی عوامل اقتصاد سیاسی موثر بر شکل‌گیری اصلاحات ارضی در سال‌های دهه‌ی ۱۳۴۰ و ۱۳۶۰

- بررسی وجود یا عدم وجود ارتباط معنی‌دار میان علل شکل‌گیری اصلاحات ارضی و تغییرات مالکیتی حاصل از آن

هدف کاربردی:

- درک و دریافت اثرپذیری تحلیل یک تغییر قانون و سیاستگذاری از فضای سیاسی و همچنین بررسی این اثرپذیری بر تحلیل عملکرد نهایی آن

ضرورت این مطالعه درک بهتر از چگونگی تعامل حوزه‌های مختلف اجتماعی بر پدیده‌های اقتصادی و سیاستگذاری اقتصادی است.

۶-۱- روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها

فصل اول: کلیات تحقیق

روش آزمون دو فرضیه‌ی نخست در این تحقیق، روش تاریخی است. به این ترتیب که با مراجعه به مطالعات تاریخی مرتبط به این دو دوره، به شناسایی فضای اقتصاد سیاسی حاکم بر زمان شکل‌گیری قانون اصلاحات ارضی در هر یک از این دوره‌ها می‌پردازیم و با کنار هم نهادن این مطالب، عوامل موثر در شکل‌گیری این قانون را شناسایی می‌کنیم.

در روش مطالعه تطبیقی پس از تدوین مساله و تعیین دامنه تحقیق و تدوین فرضیه، باید به برشماری موارد شباهت و تفاوت، و سپس توصیف و تبیین این موارد پرداخت. در این روش تعیین "ملاک تطبیق‌پذیری" مهم‌ترین بخش کار است. مطالعه‌ی تطبیقی بر گزینش مبتنی است. کدام امر را با کدام امر می‌توان به نحو اثربخش مقایسه کرد؟ دو دیدگاهی که مسئله‌ی مشترک، رهیافت واحد یا مبانی کمابیش یکسان دارند قابل مقایسه‌اند. وجود مسئله‌ای بیش و کم یکسان اما متعلق به دو پارادایم متفاوت، مجاز بودن و سودمندی مطالعه‌ی تطبیقی را نشان می‌دهد.

از آنجا که دو سیاست با هدف بازتوزیع زمین‌های زراعی در دو دوره‌ی زمانی در ایران اجرا و اعمال شده استفاده از روش مطالعه‌ی تطبیقی در این زمینه مجاز است.

در این تحقیق، با ملاک قرار دادن "ترکیب حقوقی اراضی زراعی از حیث مساحت زیرکشت"، به مطالعه‌ی تطبیقی اصلاحات ارضی دهه‌ی ۱۳۴۰ و ابتدای انقلاب از نظر عوامل موثر می‌پردازیم. "ترکیب حقوقی اراضی زراعی از حیث مساحت زیرکشت" به عنوان شاخص اثرگذاری اصلاحات ارضی بر نظام مالکیتی جامعه مدنظر است.

در این تحقیق ابتدا به نظریه‌های مربوط به عوامل موثر بر تعریف یا تغییر حقوق مالکیت، سپس به مبانی تئوریک نقش اصلاحات ارضی در توسعه پرداخته می‌شود. در گام بعدی اصلاحات ارضی در دو دوره ۱۳۴۰ و ۱۳۶۰ به صورت جداگانه بررسی می‌شود و عوامل موثر در شکل‌گیری اصلاحات در هر دوره مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در آخرین مرحله تحقیق مطالعه‌ی تطبیقی میان این دو مورد از حیث اثرگذاری بر مالکیت‌ها انجام می‌گیرد و با توجه به عوامل شناسایی شده در گام‌های پیشین این مقایسه به نتیجه‌گیری منجر می‌شود. لازم به ذکر است که در این تحقیق با نیم‌نگاهی به اثرات اجرای اصلاحات ارضی در دو دوره زمانی، تکیه بیشتر تحقیق بر شناخت عوامل شکل‌گیری و اجرای این قانون است.